

انگلیسی‌ها هرچه تلاش کردند با سرمایه گذاری روی کدیور، عبدالکریم سروش و شبستری از دانشگاه و حوزه در ایران یک مارتین لوتر درست کنند نتیجه نگرفتند.

محمدکاظم انبارلویی، فعال سیاسی اصولگرا؛



محمدکاظم انبارلویی، فعال سیاسی اصولگرا نوشته است:

یکی از آرزوهای دشمن این است که قم را از درون بپوساند.

به گزارش اسپادانا خبر، او در یادداشتی در روزنامه رسالت نوشت:

قم اکنون صاحب بزرگترین اندیشکده‌های فقهی و علمی، علوم قرآنی و تفسیری و حدیثی است. یکی از آرزوهای دشمن این است که این مرکز را از درون بپوساند و چشمه‌های زلال معرفت الهی که از حجره‌های مدارس آن می‌جوشد را بخشکاند. آرزوی سرویس‌های جاسوسی دشمن این است که یک مارتین لوتری در آن ظهور کند و یک فضای پروتستانیسمی پدید آورد و از درون جعبه جادویی نفوذ به قول حضرت آقا یک آنتی‌تز به وجود آورد اما هر چه زور زدند کمتر نتیجه گرفتند. دشمن در قم به دنبال یک رنسانس شیعی است. آنها فکر می‌کنند طلبه‌ها مثل کشیش‌های مسیحی هستند که اغلب اسیر فساد، دنیامداری و سوداگری بودند. آنها فکر می‌کنند می‌توانند ویروس اومانیزم را زیر پوست حوزه علمیه قم و از آنجا زیرپوست حوزه‌های علمیه سراسر کشور تزریق و طلبه‌ها را چون کشیشان قرن شانزدهم اروپا به وادی پروتستانیسم هدایت کنند. در ادامه این یادداشت آمده است:

امروز ماشین تبلیغاتی دشمن طوری به ما دارند دنیا را هیجان‌آور نشان می‌دهند که مردم بگویند لزومی ندارد به فکر آخرت باشیم. این تبلیغ و ترویج در حوزه روحانیت بیش از قشرهای مردمی است. آنها تولید این هیجان را برای ساخت یک فضای پروتستانیسم لازم می‌دانند. آمریکایی‌ها با راهنمایی مشتاقی احمق و دروغگو باور کرده‌اند که در ایران می‌توانند یک انقلاب با روکش مذهبی پدید آورند و یک رنسانس را از جنسی که در غرب رخ داد به وجود آورند که نتیجه‌اش به طور طبیعی سکولاریسم و لائیسیته باشد. طی صد سال گذشته انگلیسی‌ها هرچه تلاش کردند که از دانشگاه و حوزه در ایران یک مارتین لوتر درست کنند که پرچم پروتستانیسم را به دست او بدهند موفق نشدند. روی محسن کدیور، عبدالکریم سروش و محمد مجتهد شبستری و برخی فریب‌خوردگان در این حوزه کار کردند و آنها هم شروع کردند به تئوری بافی و نظریه‌پردازی اما نتیجه نگرفتند. کار را هم از تخریب و تضعیف ولایت فقیه و فلسفه سیاسی اسلام شروع کردند حتی از مراجع وقت مثل شریعتمداری و منتظری هم ناامید نبودند. اخیرا کژراهه این رویکرد به گونه‌ای رخ نموده که محسن کدیور با پخش یک ویدئو در فضای مجازی فاصله‌گذاری خود را با مجتهد شبستری و سروش حفظ و اعلام کرد:

«می‌گویند؛ وحی الهی امری بشری است قرآن کلام محمد (ص) و روای اوست. حتی به محمد (ص) هم منتسب نیست... نفی این حقیقت تجدیدنظر در اساس و بنیان اسلام است ارائه یک دین متفاوت با اسلام است. این تفکر حتی تجدیدنظر در اصل نبوت است... این حرف‌ها چه چیز از اسلام باقی می‌گذارد؟!» بعد هم رسماً در این ویدئو از سروش و مجتهد شبستری به‌عنوان جاعلین این دین جدید یاد می‌کند و از آنها تبری می‌جوید. محسن کدیور از شاگردان آقای منتظری است. او با بی‌ربط‌گویی در مورد ولایت فقیه و چنگ‌زدن به موازین تئوریک جمهوری اسلامی قبل و بعد از فتنه ۸۸ از چیزی فروگذار نکرده است اما در شناعة و زشتی و عفونت اندیشه‌های سروش و مجتهد شبستری به‌گونه‌ای آزار دیده است که رسماً می‌گوید: «اینها اساس و بنیان اسلام را نشانه گرفته‌اند.»

این عاقبت پروژه آمریکایی‌ها برای پدیداری «رنسانس اسلامی»، «پروتستانیسم اسلامی» و سرهم‌بندی پروژه عقیم آنتی‌تز انقلاب اسلامی است.

برچسب‌ها: [حوزه علمیه](#) [1]

[فرهنگ](#) [2]

